

## بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۱

نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۹) - بغض، سب و لعن امیرالمؤمنین توسط صحابه!  
(۴)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة  
على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله  
بحث ما در رابطه با صحابه بود که در این خصوص مطالبی را عرض کردیم و گفتیم که آقایان اهل سنت  
با استفاده از بعضی آیات ادعا می کنند که تمامی صحابه عادل هستند و معتقدند که:

«الصحابة كلهم من أهل الجنة قطعاً»

قطعاً تمام صحابه اهل بهشت هستند.

الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲ هـ)،  
تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى  
- ۱۴۱۵ هـ، ج ۱، ص ۱۶۳، الفصل الثالث

ما عرض کردیم عدالت جمیع صحابه با واقعیت تاریخی همخوانی ندارد. همچنین «ابن تیمیه» به صراحت  
می گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند، ایشان را سب می‌کردند و با علی بن ابی طالب قتال می‌کردند.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷

او همچنین می‌گوید: کسانی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را لعن می‌کردند، متدین‌تر از کسانی هستند که ولایت آن حضرت را داشتند!!

حال مسئله اینجاست که «ابن تیمیه» این مطالب را راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید؛ اگر دروغ می‌گوید، مدافعین صحابه باید بیابند و از صحابه دفاع کنند و بیان کنند که این مطالبی که نسبت به صحابه بیان می‌کنید افتراست. در روایت هم وارد شده است:

«عن النبي قال آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۱، ص ۲۱، ح ۳۳

اگر «ابن تیمیه» دروغ می‌گوید، واقعاً اهل سنت باید از صحابه دفاع کنند. ما تا به حال ندیدیم هیچ عالم سنی بعد از قرن هفتم و هشتم در برابر «ابن تیمیه» از صحابه دفاع کرده باشد!! اگر اهل سنت دفاع کردند، باید بیان کنند که در کجا دفاع کردیم.

ولی اگر ابن تیمیه راست می‌گوید که ظاهراً هم حرف ایشان صحیح است؛ عدالت صحابه را زیر سؤال می‌برد. به نظرم این نکته خوبی است برای فشار آوردن روی ادعای عدالت صحابه که بیان می‌کند عدالت صحابه شعاری بیش نیست و عاری از حقیقت است!

ما بیان کردیم که روی چند موضوع باید کار کنیم؛ موضوع اول حکم بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است، زیرا «ابن تیمیه» در این روایت می‌نویسد: «بیغضونه». ما به طور مفصل بیان کردیم که بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه حکمی دارد و امروز هم به تفصیل به بیان این موضوع می‌پردازیم.

همچنین در مورد حکم سب امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بحث کردیم و گفتیم در روایت وارد شده است:

**«رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَنِي»**

رسول اکرم می‌فرماید: هرکسی علی را سب کند، من را سب کرده است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۲۶۷۹۱

و اگر کسی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را سب کند، او از دین خارج شده است و کفرش ثابت شده است!!

ما در آینده به این بحث خواهیم پرداخت که آقایان، اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را به عنوان خلیفه چهارم هم قبول نکنند و تنها به عنوان یک صحابی قبول داشته باشند، سب کردن ایشان برخلاف سنت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که فرمودند:

**« لَا تَسُبُّوا أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي فَإِنْ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا أَدْرَكَ مُدَّ أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَهُ »**

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٩٦٧، ح ٢٥٤١

در زمان رسول الله (صلی الله علیه و آله) میان «خالد بن ولید» و «عبدالرحمن بن عوف» نزاعی صورت گرفت که در پی آن «خالد بن ولید» به «عبدالرحمن بن عوف» ناسزا گفت. پیغمبر در جواب او این روایت فوق را فرمودند.

و همچنین در مورد سب صحابه در روایت دیگری فرمودند:

« من سب أصحابي فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين »

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت

- ١٤٠٣ - ١٩٨٣، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصي الله محمد عباس، ج ١، ص ٥٢، ح ٨

این روایات همگی دلیل بر این است که سب صحابه، لعنت خداوند متعال را در پی دارد. زمانی که «ابن تیمیه» می گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

نتیجه می گیریم که بسیاری از صحابه ملعون بودند!! چطور می شود کسی که ملعون باشد را عادل و اهل بهشت خطاب کنیم؟! این روایات هیچ کدام با هم همخوانی ندارد.

آقای «ألبانی» در کتاب «سلسلة الأحاديث الصحيحة» جلد ٥ صفحه ٤٤٦ در مورد سند روایت:

«من سب أصحابي، فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين»

می نویسد:

«وهذا إسناد مرسل صحيح، رجاله كلهم ثقات»

سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن  
الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر  
والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، ج ٥، ص ٤٤٦، ح ٢٣٤٠

همچنین آقای «مزی» در کتاب «تهذیب الکیمال» می نویسد:

«كان يشتم عثمان وكل من شتم عثمان أو طلحة أو أحد من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و سلم  
دجال لا يكتب عنه وعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين»

می گوید کسی که به صحابه ناسزا بگوید، «دجال» است و نباید روایتی از او نقل شود. طبق این بیان، باید  
روایات «کثیرا من الصحابة و التابعین» را در دریا بریزند!!

در کتاب «تهذیب الکیمال» جلد چهارم در رابطه با «تلید بن سلیمان المحاربی» وارد شده است:

«كان مذهبه التشيع ولم ير به بأسا»

تا جایی که می نویسد:

«يشتم عثمان وكل من شتم عثمان أو طلحة أو أحد من أصحاب رسول الله صلى الله عليه و سلم دجال  
لا يكتب عنه وعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين»

تهذیب الکیمال، المؤلف: یوسف بن الزکی عبدالرحمن أبو الحجاج المزی، الناشر: مؤسسة الرسالة -  
بیروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٠ - ١٩٨٠، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ج ٤، ص ٣٢٢، شماره ٧٩٨

او هم از «یحیی بن معین» نقل می کند که پایه گذار علم رجال اهل سنت است. با توجه به این قضایا کاملاً واضح و روشن است هرکسی نسبت به صحابه توهین کند لعنت خدا و ملائکه و جمیع مردم بر آنهاست. از طرف دیگر بر فرض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) صحابه هم نیستند، آیا مسلمان هستند یا نیستند؟! در روایت وارد شده است:

«قال رسول الله ﷺ فُسُوقُ فُسُوقٍ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص ٢٢٤٧، ح ٥٦٩٧

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به عنوان یک مسلمان هستند، درحالی که:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونهم»

بنابراین تعداد زیادی از صحابه و تابعین فاسق و کافر هستند!! این مسئله خیلی واضح و روشن است و احتیاجی به هیچ هزینه ای هم ندارد. این روایت علاوه بر صحیح بخاری، در «صحیح مسلم» نیز وارد شده است.

پرسش:

ظاهراً یکی از راویان این حدیث «عمر بن سعد» است. درست است؟!

پاسخ:

راوی این روایت «عبدالله بن مسعود» است. بنده همین یک روایت را پیدا کردم و روایت دیگری وجود ندارد. «عمر بن سعد» در منابع روایی اهل سنت اصلاً روایتی ندارد، اما پدر او «سعد بن ابی وقاص» روایت دارد.

آقایان اهل سنت عمر بن سعد را علی رغم اینکه قاتل سیدالشهدا هست، ثقه می‌دانند، اما روایتی از او نقل نکردند.

اضافه بر این «بخاری» در کتاب خود می‌نویسد:

«قال النبي لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُ قَدْ أَفْضُوا إِلَى مَا قَدَّمُوا»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢٥٥٠٩، ح ٤٧٠

بعد از شهادت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) «معاویه» و «عمرو عاص» که صحابی پیغمبر بودند و دیگران که در اطراف معاویه بودند، آن بزرگوار را سب می‌کردند. پیغمبر هم فرمود که اموات را فحش ندهید. این روایت هم، از «عایشه»، «أعمش»، و «شعبه» نقل شده است.

پس اینکه «ابن تیمیه» می‌نویسد:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

عدالت بسیاری از صحابه به واسطه «یسبونونه» زیر سؤال می‌رود. اگر کسی بگوید صحابه‌ای که به حضرت ناسزا می‌گفتند متعلق به اصحاب رده بودند، باید در جواب بگوییم که آن‌ها به حضرت امیرالمؤمنین ناسزا نمی‌گفتند بلکه اصحاب رده با «ابوبکر» مشکل داشتند!! حتی بعضی از اصحاب رده می‌گفتند: ما علی بن ابی طالب را خلیفه و وصی پیغمبر اکرم می‌دانیم، نه ابوبکر را !!

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه چهارم اهل سنت است و «ابن تیمیه» هم می‌گوید: هرکسی ابوبکر، عمر، عثمان و علی بن ابی طالب را سب کند کافر است. بر طبق این فتوای «ابن تیمیه» تعداد زیادی از صحابه و تابعین کافر هستند!!

از طرف دیگر در روایات وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هرکسی علی را سب کند مرا سب کرده است و هرکسی من را سب کند کافر است.

در کتاب «الإستغاثة في الرد على البكري» اثر «ابن تیمیه» وارد شده است:

«و أفتى بعض الشافعية أنّ من سب أبابكر أو عمر أو عثمان أو عليا فهو كافر»

البته او این عبارت را از قول «شافعیه» نقل می‌کند و خود را در حاشیه قرار داده است، اما در هر صورت آن را رد نکرده است. در ادامه این روایت وارد شده است:

«و أفتى طائفة بكفر الرافضة و نقل عن أحمد أنه استفتى في من شتم عثمان فقال هذا زندقة و روى عن أحمد رواية أخرى قال من سب واحدا من الصحابة فقد كفر»

سپس «ابن تیمیه» می‌گوید:

«و ذكرت ذلك لتعلم عدم الوقوع في الجنب النبوي عند العلماء و قد صح و ثبت أنّ النبي أباح دم من نقصه و سبه و لم يختلف في ذلك الصحابة»

الإستغاثة في الرد على البكري، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار

النشر: دار الوطن - الرياض - ١٤١٧، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبدالله بن محمد السهلي؛ ج ٢، ص ٦٠٠



البته بحث ایشان در مورد این است که سب النبی چه حکمی دارد. او به تبع آن این مطالب را آورده است. در حقیقت «و ذکرت ذلک لتعلم» تأیید حرف‌هایی است که ایشان از بعضی شافعیه و «أحمد بن حنبل» و دیگران آورده است که همگی مورد تأیید «ابن تیمیه» است.

بنابراین بحثی که بیان کردیم این بود که بسیاری از صحابه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را سب می‌کردند که تکلیف «یسبونه» روشن شد. همچنین در خصوص «یبغضونه» در گذشته روایاتی بیان کردیم و گفتیم در «صحیح مسلم» وارد شده است:

«قال عليّ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَنَهُ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ إِلَيَّ أَنْ لَا يُجِبَّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨  
همچنین آقای «قرطبی» می‌نویسد:

«ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله إلا يبغضهم لعلي عليه السلام»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ١، ص ٢٦٧، باب البقرة: (٣٠) وإذ قال ربك... ..

آقای «آلوسی» هم این روایت را بیان کرده است. همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«و من مات يبغضك مات ميتة جاهلية»

الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم، نویسنده: عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن

یونس، محقق / مصحح: رمضان، میخائیل، ج ٣، ص ١١٨

و حاکم هم نقل می کند:

«وَعَدُوكَ عَدُوِّي، وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ، وَالْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَكَ بَعْدِي»

و در مورد سند این روایت هم می نویسد:

«صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا؛ ج ۳، ص

۱۳۸، ح ۴۶۴۰

در سند این روایت هیچ شک و شبهه ای نیست. «ذهبی» هم در پاورقی در مورد این روایت می نویسد:

«قلت هذا و ان كان رواه ثقات، فهو منكر ليس ببعيد من الوضع»

گرچه راویان این روایت همه ثقه هستند، اما روایت منکر است زیرا بعید نیست که این روایت جعل

شده باشد.

طبق این عبارت، «ثقات» اهل سنت هم حدیث جعل می کنند!! بنابراین هرکجا عبارت «ثقة» پیدا کردیم،

احتمال دارد که آن را جعل کرده باشند. «ذهبی» با این عبارت خود، تمام راویان ثقه را زیر سؤال برده است!!

من بارها به دوستان می گویم هنر محقق این است که از خود شبهه، شبهه تولید کند. «ذهبی» برای این روایت

شبهه ایجاد کرده است، اما از طرف دیگر می گوید: راویان این روایت همه ثقه هستند، اما روایت منکر است.

آیا اینکه راویان روایتی ثقه هستند، اما روایت منکر است تنها مخصوص این روایت است یا به عنوان قاعده کلی در نظر گرفته می‌شود؟! اگر تنها به عنوان این روایت است، دلیل شما در اینجا چیست که ادعا می‌کنید با وجود اینکه راویان ثقه هستند حدیث منکر است؟!

در ادامه هم می‌گویید:

### «لیس ببعید من الوضع»

زمانی که یک مورد جعل حدیث از راویان ثقه سر بزند، «حکم الأمثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد». ما در موارد دیگر هم دچار تردید می‌شویم که روایات دیگر این راوی ثقه دستخوش جعل شده است، یا نه؟! نتیجه تابع احسن مقدمات است و طبق این معنا شما ریشه همه چیز را زدید!! بعلاوه اگر چنانچه ملاک برای شما، منکر باشد، کار به جاهای باریکی خواهد کشید. زیرا خود «ذهبی» در جای دیگری می‌نویسد:

### «ما کل من روی المناکیر یضعف»

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، المؤلف: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: ۷۴۸ هـ)، تحقیق: علی محمد البجاوی، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۳۸۲ هـ - ۱۹۶۳ م، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۴۶۴

آقای «ابن حجر عسقلانی» در جلد دوم کتاب «لسان المیزان» در این خصوص تعبیر زیبایی دارد و می‌نویسد:

«فلو کان کل من روی شیئا منکرا استحق ان یذکر فی الضعفاء لما سلم من المحدثین أحد»

اگر قرار باشد هرکسی حدیث منکری آورد ما او را در ضعفاء بیاوریم روایت احدی از محدثین سالم نمی‌ماند.

لسان الميزان، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الناشر: مؤسسة الأعلمي  
للمطبوعات - بيروت، الطبعة الثالثة، ١٤٠٦ - ١٩٨٦، تحقيق: دائرة المعارف النظامية، ج ٢، ص ٣٠٧، ح

١٢٦٥

پرسش:

این حدیث پیامبر، مستفیض است یا متواتر است؟!

پاسخ:

قطعاً از نظر معنایی مستفیض است و در آن هیچ شکی نیست. در روایت:

«وَعَدُّوكَ عَدُوِّي، وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ، وَالْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَكَ بَعْدِي»

عبارت «أَبْغَضَكَ بَعْدِي» قطعی است. اگر نتوانیم این روایت را متواتر لفظی بخوانیم، قطعاً با این روایات  
متعددی که ما در بغض امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داریم، متواتر معنوی است.

پرسش:

«منکر» به چه معناست؟!

پاسخ:

«منکر» یعنی روایتی است که متن آن قابل قبول نیست. و نمی‌توانیم آن را قبول کنیم. این روایت باید انکار  
شود، یعنی منکر است و در شأن این روایت است که ما آن را انکار کنیم و قبول نکنیم. حداقل منکر، عدم اعتبار  
روایت است. یعنی محتوی باطل است. همان که می‌گوئیم امر به معروف و نهی از منکر.

البته ایشان در کتاب «میزان الاعتدال» دلیل منکر بودن آن را می‌آورد. او زمانی که این روایت را می‌آورد، می‌گوید:

«يشهد القلب أنه باطل»

میزان الاعتدال في نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد

عبدالموجود؛ ج ۱، ص ۲۱۳

دلیلی بهتر از این را می‌خواهید؟! انصاف داشته باشید! آیا دلیلی بهتر از قلب «ذهبی» وجود دارد؟! این دلیل، بهترین دلیل است مبنی بر اینکه چرا این روایت جعلی و منکر است. قضیه کاملاً مشخص است و ضمیر مرجع خود را پیدا می‌کند و لازم نیست ما حاشیه بنسیم. همین که «ذهبی» می‌گوید «يشهد القلب أنه باطل» مسئله کاملاً واضح می‌شود.

سپس در ادامه روایت می‌گوید که «ابو حامد» می‌گوید: «معمر» خواهرزاده‌ای داشته که رافضی بوده؛

«فأدخل هذا الحديث في كتبه»

این قضیه هم عذر بدتر از گناه است که اگر اینطور باشد روایات دیگر ایشان هم زیر سؤال می‌رود. شما روی هر روایتی دست بگذارید دچار تردید می‌شوید که آیا این روایت را هم خواهرزاده ایشان اضافه کرده است یا خود او نوشته است. یعنی این شخص تسلط کافی بر کتاب خود نداشته و خواهرزاده او مطالبی را در کتاب او اضافه می‌کرده است.

این چه حرفی است که ایشان می زند؟! یک وقت ما دلیل داریم، خود این شخص بیاید بگوید که خواهرزاده من در کتاب من مطالبی اضافه کرده که نتوانستم آن را حذف کنم، یا خود خواهرزاده او بیاید بگوید من مطالبی را در این کتاب اضافه کردم.

یا نه؛ دو یا سه نفر از معاصرین آقای «معمر» بیایند بگویند این روایات توسط خواهرزاده «معمر» به این کتاب اضافه شده است و همین طوری حرف زدن بی ارزش است. از طرف دیگر می گوید:

### «فسمعه عبد الرزاق في الكتاب»

«عبدالرزاق صنعانی» هم این روایت را از کتاب «معمر» نقل کرده است. «یحیی بن معین» هم در مورد او می گوید:

### «لو ارتد عبد الرزاق عن الإسلام ما تركنا حديثه»

اگر عبدالرزاق از اسلام خارج شود هم ما حدیث او را ترک نمی کنیم.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسي،

ج ۹، ص ۵۷۳، ح ۲۲۰

مشاهده کنید که ایشان به هر طرفی بخواهد برود، به بن بست برمی خورد.

روایت «یحیی بن معین» در مورد «عبدالرزاق صنعانی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» چندین مرتبه تکرار شده است. مشاهده کنید علمای اهل سنت معتقدند که اگر «عبدالرزاق» از اسلام برگردد و مرتد هم شود، روایات او اعتبار خود را از دست نمی دهد.

یکی از ویژگی‌های دروغ بستن این است که حافظه انسان از دست می‌رود. مشاهده کنید در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم صفحه ۱۶۴ وارد شده است:

«أول من يدخل الجنة أنا وفاطمة والحسن والحسين قلت يا رسول الله فمحبونا»

از پیغمبر اکرم سؤال کردند: یا رسول الله! دوست‌داران ما کجا هستند؟!

«قال من ورائكم»

حضرت فرمودند: آن‌ها پشت سر ما هستند.

«حاکم نیشابوری» در مورد سند این روایت می‌نویسد:

«صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۴۷۲۳

ما معتقدیم شیعه و اهل سنت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت آن حضرت را دوست دارند، زیرا:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»

بگو من از شما در برابر رسالتم مزدی طلب نمی‌کنم به جز مودت نسبت به اقرباء.

سوره شوری (۴۲): آیه ۲۳

دوست داشتن اهل بیت (علیهم السلام) فرمایش قرآن کریم است. این در حالی است که «ذهبی» در ذیل این روایت در تلخیص مستدرک حاکم می‌نویسد:

«فالحديث منكر من القول، يشهد القلب بوضعه»

این حدیث منکر است، زیرا قلب من شهادت می‌دهد این روایت جعلی است.

چرا؟ چون که قلب من «ذهبی» اهل بیت را دوست ندارد. به دلیل اینکه من خارج از این روایت هستم پس این قضیه جعلی است!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته